

نقش ایرانیان ارمنی در کوه‌نوردی کشور

به مناسبت شصتمین سال تأسیس باشگاه ورزشی فرهنگی آرات، ۱۳۸۲



نخستین دوره‌ی مربی‌گری کوه‌نوردی در ایران، لالون، ۱۳۳۱

ارمنیان شرکت‌کننده: هاملت چرخ‌چیان، فلیکس مناساکانیان، گغام میناسیان، نورایر میناسیان

ایرانیان ارمنی^(۱) با وجود آن که درصد کوچکی از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، اما در زمینه‌های گوناگون جامعه‌ی ایرانی حضور و تأثیر چشمگیر داشته‌اند. هر ایرانی ساده، در محله‌ی خود یا کمی دورتر، یک صنعت‌گر ماهر ارمنی می‌شناسد که در کاری مانند تراشکاری، مکانیکی، و... استادانه کار می‌کند و زبانزد دیگران است. پژوهشگران اجتماع و تاریخ ایران هم نقش ارمنیان را در بسیاری زمینه‌ها برجسته یافته‌اند. اسماعیل رایین می‌نویسد: «به جرات می‌توان گفت که علاقه و اشتیاق برادران ارمنی ما به پیشرفت حرفه، صنایع، و هنر [...] این سرزمین، بی‌نظیر است [...] نظری کوتاه به فعالیت و ثمره‌ی کار ارامنه‌ی صاحب حرفه و صنایع در ایران که از سال‌های ۱۶۰۰ تاکنون در این مرزوبوم به سر می‌برند، این نکته را مسلم می‌دارد که سهم رواج صنعت و هنر و انواع مشاغل اقلیت^(۲) ارمنی در پیشرفت کلی صنعت در کشور ما قابل ستایش و تذکر است.»^(۳) رایین سپس به یک بررسی اشاره می‌کند که دو تن از پژوهشگران ارمنی (آبراهام گورگینیان و هانانیان) با مطالعه‌ی دقیق سنگ قبرهای ارمنیان جلفا و فریدن به‌انجام رسانده‌اند. مطابق این بررسی، «چهل و نه حرفه و پیشه... از بدو ورود مهاجرین ارمنی به جلفا، اصفهان و فریدن در این سه شهر متداول شده و صنعتگران و هنرمندان ارمنی به آن‌ها اشتغال داشته‌اند...»^(۴) در میان این حرفه‌ها، به کارهایی مانند ریخته‌گری، زرگری، ساعت‌سازی، صنعت چاپ، نوازندگی، آهنگری، اسلحه‌سازی و توپچی‌گری اشاره شده است.

در زمینه‌ی کار فرهنگی هم ایرانیان ارمنی سابقه‌ی درخشانی دارند؛ از نخستین سال‌های پس از مهاجرت ارمنیان به اصفهان (سال‌های ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۵ میلادی، دوران شاه عباس)، آنان با ساختن عبادتگاه و کلیسا (که محل آموزش هم بود) و نیز تأسیس مدرسه، آغاز به کار آموزشی کردند. نخستین چاپخانه در ایران، و در کل خاورمیانه، به دست ارمنیان جلفای اصفهان و با کوشش خلیفه‌خاچاطور گیساراتسی تأسیس شد. «آنچه بر قدر و ارزش چاپ این کتاب می‌افزاید، ساختن همه‌ی

وسایل چاپ کتاب مذکور، حتی کاغذ آن به وسیله‌ی روحانیون کلیسای وانک می‌باشد»^(۵). نخستین کتاب چاپ شده در ایران و خاورمیانه، کتاب مذهبی ساقموس است که به سال ۱۶۳۸ میلادی در این چاپخانه چاپ شده است. «در سال ۱۸۴۳ (۱۲۵۸ هجری قمری) نخستین مدرسه‌ی مدرن در جلفا تأسیس شد. نکته‌ی حائز اهمیت این که تاریخ ایجاد این مدرسه با چند سال اختلاف مقارن است با تأسیس دارالفنون در تهران توسط میرزاتقی خان امیرکبیر»^(۶). پیدا است که تأسیس چاپخانه و مدرسه‌ی نوین چه تأثیر شگرفی در شناساندن تمدن جهانی به ایرانیان، و دست یافتن آنان به دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی بشریت، و رهایی نسبی از سیاهچاله‌های خودکامگی حاکمان و نادانی گسترده‌ی آن دوران داشته است.

در میان ارمنیان، کسانی که با بیرون از کشور مراد و با زبان‌های خارجی آشنایی داشته‌اند، بسیار بودند. از این‌رو، شماری از مترجمان و نیز سفیران ایران در کشورهای دیگر از ایشان بودند. مثلاً در زمان ناصرالدین‌شاه «سفرای ایران در لندن، سوییس، و پاریس [...] مثل میرزا ملکم خان، نریمان خان، آوانس ماسحیان [...] ارمنی بودند»^(۷).

در جنبش مشروطیت که آغاز برون‌رفت ایرانیان از دوران استبداد دیرین بود، ارمنیان حضور چشمگیر و مؤثر داشتند. از پیرم خان ارمنی در بیشتر کتاب‌های تاریخ مشروطیت، به عنوان یکی از رهبران مشروطه یاد شده است. از اوایل مشروطه‌خواهی، ارمنیان در کنار توده‌ی مردم ایران در خیزش بودند. احمد کسروی می‌نویسد: «ارمنیان که تا آن هنگام با [عامه‌ی] مسلمانان آمیزش و جوشش نکردند [...] اکنون همه مهربانی می‌نمودند و در نهان با آزادی‌خواهان همدستی می‌داشتند»^(۸). در چند مورد ارمنیان نقش پیشگام داشتند (چنان که قفقازیان داشتند). در دوره‌ی «استبداد صغیر» که محمدعلی شاه با سرسختی و بی‌رحمی با مشروطه‌خواهان درافتاده بود، آذربایجان (به‌ویژه شهر تبریز) به کانون واقعی آزادی‌خواهان بدل شد و به مبارزه با محمدعلی شاه پرداخت. در این هنگامه‌ی سخت (۱۲۸۷) ارمنیان هم دسته‌های «مجاهد» درست کردند؛ مثلاً در نبرد با دار و دسته‌ی اسماعیل آقا سیمکو و اقبال‌السلطنه (دشمنان مشروطه) «عمو اوغلی از یک‌سو نیرو می‌بسیجید و کسان بسیاری از آن پیرامون‌ها پیاپی می‌رسیدند و به مجاهدان می‌پیوستند. یک دسته از ارمنیان نیز به سردستگی سامسون نامی از سرجنابان داشتاکسیون به آنان پیوستند. همچنین کسانی از گرجیان بمب‌ساز به آن‌جا درآمدند»^(۹).

دانشناک‌هایی که در ایران فعالیت می‌کردند، از حرکت‌های استقلال‌خواهانه، و از آزادی‌خواهان ایران حمایت می‌کردند (یکی از دلیل‌های آن می‌تواند مخالفت دانشناک‌ها با نظام تزاری روسیه بوده باشد). رستم از ارمنیان تفلیس که یکی از سه رهبر و مؤسس دانشناک بود، دستوری به همه‌ی دانشناک‌های ایران صادر کرد و همکاری آنان را با ملیون ایران برای حفظ استقلال این کشور اعلام نمود»^(۱۰).

در بسیاری از دیگر حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی ایران هم ارمنیان نقش در خور توجه داشته‌اند؛ در موسیقی به چهره‌هایی نامداری چون هاوانس آبرکاریان (استاد یحیی که سازنده‌ی بهترین تارها بوده) و ملیک اصلانیان برمی‌خوریم. همچنان که از میان ارمنیانی که از قتل‌عام ۱۹۱۵ به دست عثمانیان

جان به در برده و به ایران پناه آوردند، موسیقی‌دان برجسته لوریس چکناواریان ظاهر می‌شود. تأثر ایران به دست ارمنیانی چون ساناس آبر و هوسپ ناتاوسیان در سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۷ هجری قمری پا گرفت. نخستین کارگردان سینمای ایران، آوانس اوگانپانس است که فیلم «آبی و رابی» را ساخت. قدیمی‌ترین روزنامه‌ی دایر ایران، روزنامه‌ی ارمنی‌زبان آلیک است که از اول فروردین ۱۳۱۰ پیوسته منتشر شده‌است (این روزنامه همواره در چاپ گزارش‌ها و مقاله‌های کوه‌نوردی فعال بوده‌است). یکی از بهترین عکاسان طبیعت ایران، یک ارمنی است؛ نیکول فریدنی که توانسته با «زبان جهانی» عکس بهترین تصویرها را از ایران به جهانیان عرضه کند. یکی از دوستداران و پژوهشگران طبیعت ایران که خدمت ارزنده و کم‌مانندی به محیط زیست کشور کرده و کتاب‌ها و مقاله‌های پرشماری در این زمینه منتشر کرده، هنریک مجنونیان است.

موردهای بسیار دیگری را هم می‌توان یادآور شد: کلارا آبکار از ارمنیان اصفهان، نخستین زن مینیاتوربست ایران؛ آرتین استپانیان، بنیان‌گذار دندان‌پزشکی ایران؛ آنیک استپانیان، نخستین زن دندانپزشک ایران، زابل استپانیان بارتو، نخستین زن تلگرافچی ایران؛ لرتا هابراتیان، نخستین زن هترمند تأثر در ایران؛ برسابه هوسپیان، مؤسس نخستین کودکانستان ایران؛ گابریل گورگیان، وارطان هوانسیان، پل آبکار، اوژن آفتاندلیانس، و قلیچ باقلیان از برجسته‌ترین معماران اوایل دوران پهلوی که آثار ماندگاری را به یادگار گذاشته‌اند؛ ویکتوریا اوهانجیان، نخستین زن معمار ایران؛ لیلی اوپال، نخستین زن ایرانی که در میدان‌های ورزشی بیرون از کشور حضور یافت؛ و البیس فراهیان از پایه‌گذاران مهد کودک در ایران.

نخستین کوه‌نوردان و اسکی‌بازان ایران

از نخستین کوه‌نوردی‌های ورزشی که سابقه‌ی آن را در ایران داریم، کوه‌روی‌های **سمبات سرکیسیان** (متولد ۱۲۷۰ خورشیدی در تفلیس) است که پس از مهاجرت به ایران به کوه‌نوردی پرداخته است. آغاز ورزش اسکی در ایران با نام روستای کوچک و ارمنی نشین تلو در شمال شرق تهران (جاده‌ی لشگرک) پیوند خورده است. طبق نوشته‌های محسن محسنین، دکتر عبادالله بصیر که از مبلغان و پایه‌گذاران ورزش‌های نو در ایران بوده است، پس از آن که تحصیلات خود را در فرانسه به پایان می‌رساند و در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به کشور بازمی‌گردد، طریقه‌ی ساخت چوب اسکی را به دو کارگر مجارِ نجاری صدری در خیابان لاله‌زار یاد می‌دهد. او به‌همراه چند نفر از دوستان برای اسکی به تپه‌های تلو می‌رفتند، و کم‌کم این نقطه به پیست تلو یا پیست لشگرک معروف شد و بسیاری از اسکی‌بازان تهران در روزهای تعطیل به آنجا می‌رفتند. در این زمان، «علاوه بر نجاری صدری، یک نجار ارمنی هم به نام وراز در خیابان لاله‌زار سفارش ساخت اسکی می‌گرفت»^(۱۱).

در یکی از نخستین مسابقه‌های اسکی ایران (آبعلی، ۱۹ اسفند ۱۳۲۲) در بخش خانم‌ها، یک ارمنی به نام **ریتا آلوردیان** رتبه‌ی دوم را به دست می‌آورد^(۱۲).

فدراسیون اسکی ایران (همزمان با ۱۵ فدراسیون دیگر) در سال ۱۳۲۵ تأسیس شد و نخستین رییس آن یک ارمنی - **فلیکس آقایان** - بود که تا ۱۳۳۰ این سمت را داشت. او از ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷ هم رییس فدراسیون اسکی (که در دوره‌هایی، از جمله ۵۷ - ۱۳۵۶، به نام فدراسیون کوه‌نوردی و اسکی خوانده می‌شد) بود.

از نخستین قهرمانان اسکی ایران که با فدراسیون‌های آن زمان همکاری داشت، **آوانس مگردون** را می‌توان نام برد که اهل تلو بود. آوانس خدمت وظیفه را در پادگان لشگرک که در آن «مرکز آموزش نظامی برای ورزش‌های زمستانی و کوه‌نوردی» تشکیل شده بود، گذراند. از کارهای بسیار جالب توجه این مرکز که در آن کوه‌نوردان و اسکی‌بازانی مانند سروان (بعدها؛ سرهنگ) یحیایی، و سروان (بعدها؛ تیمسار) خاکبیز فعالیت داشتند، اجرای مأموریت جست‌وجوی هواپیمای سقوط کرده‌ی امریکایی در حوالی کوه کینو در زمستان (۲۲ بهمن تا ۳ اسفند) ۱۳۲۷ بود. در این برنامه‌ی پرماجرا و دشوار که شاید نخستین کوه‌نوردی زمستانی چند روزه در ایران باشد، به جز **آوانس**، یک ارمنی دیگر به نام **ماناواز میکاییلیان** هم حضور داشت (از دیگر همراهان؛ یحیایی، خاکبیز، گیلان‌پور، علی بقیایی)^(۱۳).

نخستین تله‌اسکی ایران به پیشنهاد گاستون کاتیار فرانسوی - نخستین مربی خارجی که برای آموزش اسکی به ایران آمد - و توسط انجمن تربیت بدنی ایران (بعدها؛ سازمان تربیت بدنی) از کارخانه‌ی پوما خریداری شد و توسط کاتیار، به کمک **آوانس مگردون** در تپه‌های تلو نصب شد (افتتاح؛ ۲۹ دی ۱۳۲۹)^(۱۴). «کاتیار سال‌های اول و دوم (۱۳۲۶ و ۱۳۲۷) اقامت خود را به تربیت کمک مربی و آموزش اسکی‌بازان لشکر ۱ و ۲ مرکز اختصاص داد. در پایان این دوره، ۴ نفر از بهترین اسکی‌بازان آن زمان، بهادر فایبر و ابراهیم فیاپرر اصلاً قفقازی، و **آوانس مگردون** و **ماناواز میکاییلیان** به درجه کمک مربی‌گری نایل آمدند...»^(۱۵) نخستین «تیم ملی اسکی ایران» با اجرای چند مسابقه، در سال ۱۳۲۷ تشکیل یافت که همین چهار نفر در آن حضور داشتند^(۱۶). در نخستین اعزام اسکی‌بازان ایران به اردوهای خارج از کشور هم **آوانس** یکی از دو فرد انتخاب‌شده بود. (به‌همراه کاظم گیلان‌پور، ۱۳۲۲) از دیگر پیشتازان اسکی کشور می‌توان **بنیک امیریان** را نام برد که در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ در چند مسابقه، رتبه‌های اول تا سوم را به دست آورد و در تیم ملی قرار گرفت. اما کسی که بیش از هر قهرمان دیگر اسکی ایران در تیم‌های ملی عضویت داشته‌است، **آوانس مگردون** است که تا سال ۱۳۴۸ نام او را در میان قهرمانان مسابقه‌های گوناگون می‌بینیم^(۱۷).

کوه‌نوردی ورزشی

کوه‌نوردی به عنوان یک ورزش از سال ۱۳۱۰ در ایران آغاز شد، و شکل باشگاهی آن با تلاش‌های منوچهر مهران و تشکیل باشگاه نیرو و راستی پدید آمد. در مردادماه ۱۳۲۳، منوچهر مهران سرپرستی یک کاروان پنجاه نفری را برای صعود به قله‌ی دماوند برعهده گرفت که از میان آنان چهل نفر موفق به

صعود به قله شدند. در میان آن چهل نفر، نام دو ارمنی - **یرواند گالوستیان** و **آرسن سرکیسیان** - به چشم می‌خورد. در سال ۱۳۲۵ کوه‌نوردان باشگاه شرکت نفت صعودی به قله‌ی دماوند داشتند که در میان آنان به نام‌های **سرکیس وسکانیان**، **رافای وسکانیان**، و **خاچاتوریان** برمی‌خوریم.

به سال ۱۳۲۶، **گغام میناسیان** و **امیل مارکاریان** دو تن از ۱۴-۱۵ کوه‌نوردی بودند که پناهگاه اسپیدکمر، نخستین پناهگاه کوه‌نوردی ایران، را ساختند. **امیل** در سال ۱۳۳۷ به‌همراه خلیل میلانی مسوول تعمیر این پناهگاه شد.

در کوه‌نوردی ایران، به نام دو پیشگام ارمنی برمی‌خوریم که نقشی کم‌مانند در پا گرفتن این ورزش داشته‌اند. یکی از نخستین سازمان‌های کوه‌نوردی تهران (و شاید نخستین سازمانی که با عنوان «گروه کوه‌نوردی» شروع به فعالیت کرد)، گروه کوه‌نوردان آزاد بود که در سال ۱۳۲۷ اعلام موجودیت کرد^(۱۹)؛ **گغام میناسیان** و **نورایر میناسیان** دو برادر پرکار در کوه‌نوردی، از نخستین اعضای این گروه و از «فنی‌کاران» آن بودند. **گغام** در سال ۱۳۲۲ (در ۲۲ سالگی) همراه با مهدی نیکخو (سرپرست)، **یرواند گالوستیان** و... با پوشاکی ناقص (کت شهری) از جبهه‌ی جنوبی به قله‌ی دماوند صعود کرد. (نخستین صعود به دماوند پس از جنگ جهانی دوم)^(۲۰). او و برادرش پیوسته در اندیشه‌ی کارهای نو و دشوار کوه‌نوردی بودند، چنان‌که در سال‌های پیش از ۱۳۳۰ نخستین صعود زمستانی توچال را به‌انجام رساندند. آنان فقط در تابستان ۱۳۲۹ این کارهای نو را انجام دادند^(۲۱): صعود به قله‌های وراب، برج خلنو، و خلنو همراه با **فلیکس مناساکانیان** و **مارکار مارکاریان**؛ صعود به دماوند از پال تخت فریدون همراه با **استپان مرادیان** و **سرکیس وسکانیان**؛ یکسره‌نوردی (پیمایش خط‌الرأس) زرینه‌کوه، سیاه‌لیز، تخت‌خرس، آلانه‌سر، لشکرک، گردونکوه، شاخک علم‌کوه، علم‌کوه و انگشت غول همراه با **استپان مرادیان** (در این برنامه بر کوه‌نوردان ایرانی مشخص شد که قله‌ی اصلی و بلندتر منطقه، خود علم‌کوه است و نه شاخک آن). این جمع، در آن تابستان کارهای دیگری هم کردند که شاید در ورزش کوه‌نوردی، نو (و در هر صورت جالب توجه) بوده است؛ صعود به قله‌ی آزاد کوه: **گغام میناسیان**، **ایساک گانزچیان**؛ قله‌ی شهیدان (جفته زرده)؛ **گغام میناسیان**، **سرکیس وسکانیان**، جلیل کتیبه‌ای، عزت شهیدا، رحمت زندیه، و خانم‌ها عصمت قاضی و فرخ کوه‌کن و نصرت کوه‌کن؛ قله‌ی کلون‌بستک؛ **نورایر میناسیان**، **استپان مرادیان**، **مارکار مارکاریان**، **فلیکس مناساکانیان**؛ قله‌ی نیزوا (در سمنان، که **گغام** بر پایه‌ی اطلاعات یک نقشه‌ی قدیمی انگلیسی، ارتفاع آن را بالاتر از علم‌کوه دیده بود)؛ **گغام** و **نورایر**.

در سال ۱۳۳۰ **گغام** در برنامه نخستین صعود قله‌ی کوشا (کرمان) و در ۱۳۳۱ به‌همراه نورایر در برنامه‌ی نخستین صعود قله‌های دوبرار و زرین‌کوه شرکت داشت^(۲۲) پیوستگی و فشرده‌گی کوه‌نوردی‌های این دو برادر ارمنی که حتی امروزه هم برای کوه‌پیمایان ایرانی رشک‌برانگیز است، نشان می‌دهد که آنان، کوه رفتن را به چشم یک تفنن نمی‌نگریسته و این کار برای‌شان یک موضوع ورزشی جدی بوده است، چنان که نوع کارهای ایشان (مطالعه‌ی مطبوعات کوه‌نوردی خارجی، تشکیل دادن یا عضو شدن در گروه و «اتحادیه»ی کوه‌نوردی، رفتن به کوه‌های صعود نشده یا کم‌صعود، یافتن راه‌های نو، درگیر شدن با رخ‌های سنگی، یکسره‌نوردی...) نیز تأییدی بر این امر

است. **گغام** در سال ۱۳۳۰ «از سوی هیات مدیره‌ی فدراسیون کوه‌نوردی، یکی از سه کوه‌نورد بهتر و برگزیده سال شناخته شد.»^(۳۳) او در آن سال، برنامه‌ی دور زدن دماوند را از ارتفاع چهار هزار متر طراحی کرد که البته فقط توانست از غرب به شمال دماوند و از آنجا تا آبگرم برود (با **استپان مرادیان**).

گغام در سال‌های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ باز هم به منطقه‌ی علم‌کوه رفت و قله‌های بسیاری را در آنجا صعود کرد، و البته در این سال‌ها در دیگر منطقه‌های کشور هم قله‌هایی را صعود کرد. در برنامه‌ی علم‌کوه ۱۳۳۳ **گغام** و **نورایر** به عنوان نخستین ایرانیان توانستند از گرده‌ی آلمانی‌ها به قله‌ی علم‌کوه بروند. (همراه سه کوه‌نورد فرانسوی، ۱۹ مرداد).

در آن سال‌های پیدایش کوه‌نوردی فنی در ایران، از یکسره‌نوردی تقریباً هیچ خبری نبود و می‌توان گفت که پایه‌گذار این‌گونه کوه‌نوردی برادران میناسیان بوده‌اند. به جز برنامه‌ی ۱۳۲۹ ایشان که به آن اشاره شد، از پیمایش ستیغی دیگر گزارشی در دست داریم که نه تنها برای آن زمان کار شایان توجهی بوده است، بلکه امروزه هم برنامه‌ای دشوار به شمار می‌رود و شاید تاکنون فقط چند گروه انگشت‌شمار آن را به طور کامل اجرا کرده باشند. در این برنامه **گغام میناسیان**، همراه با **آوانس مالخاسیان**، **لیون کازاریان**، مجتبی احمدیان، و محمد محمدی با یکصدویست کیلومتر راه‌پیمایی و کوه‌نوردی، مسیر جوستان - پراجان - گردنه‌ی هسارچال - گردون‌کوه - منار - خرسان [جنوبی] - ویران‌کوه - برگشت به خرسان [جنوبی] - علم‌کوه - میان‌سه‌چال - سرچال - رودبارک را طی می‌کنند. این برنامه «برحسب ابتکار اتحادیه‌ی کوه‌نوردان»^(۳۴) اجرا شده بود، و این اتحادیه، تشکیلاتی بود که در آن دو سه سال پرشور پیش از مرداد ۱۳۳۲، به دست چند کوه‌نورد از جمله **کارو**، **یرواند گالوستیان**، **شاوارش زاریان**، **آوانس مالخاسیان**، **منوچهر خلعتبری**، **اکبر بشردوست**، **منوچهر جهاننگلو** و... سازمان یافته بود.

در یک شماره از مجله‌ی *ورزش ایران* خبر برنامه‌ای دیگر از اتحادیه‌ی کوه‌نوردان درج شده است: «در مرداد امسال به ابتکار اتحادیه‌ی کوه‌نوردان ایران دسته‌ای برای صعود از تیغه‌ی بخار [بخار] قله‌ی شمال دماوند [؟] به راه افتادند. این کوه‌نوردان با فداکاری بسیار توانستند در سرمای ده درجه زیر صفر چهار شب در یخچال‌ها و کوهستان به سر برده و با موفقیت از این تیغه صعود کنند... چون شرح این عمل قهرمانانه در سایر جراید چاپ شده به همین مختصر قناعت شد. این پیروزی بزرگ را به اولین دسته‌ی کوه‌نوردان ایرانی که موفق به صعود از تیغه‌ی شمالی دماوند شدند تبریک می‌گوییم. اعضای این کاروان عبارت بودند از آقایان **منوچهر جهاننگلو** مسوول کاروان، **میناسیان**، **بالکانی**، **سرمدی**، و **یرواند گالوستیان**». گزارش کامل این برنامه را در دسترس نداریم و از مسیر دقیق آن نیز آگاهی نداریم.

در اردیبهشت ۱۳۳۱ نخستین اردوی کوه‌نوردی کشور توسط فدراسیون کوه‌نوردی در نزدیکی شیراز برگزار شد؛ از هجده کوه‌نورد شرکت کننده در این اردو، دو نفر ارمنی بودند؛ **گغام میناسیان** و **امیل**

مارکاریان. امیل به مربی پرکاری بدل شد و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۶ در هیات رئیسه‌ی فدراسیون (از جمله به عنوان مسوول کمیته‌ی فنی) فعالیت کرد.

کوه‌نوردی بدون خطر نیست؛ کسانی که زیاد به کوه می‌روند به‌هرحال با حادثه‌هایی روبه‌رو می‌شوند. در مرداد ۱۳۳۳ **فلیکس مناساکانیان** (متولد ۱۳۱۱)، **گغام**، **نورایر**، **امیل مارکاریان** و چند کوه‌نورد ایرانی دیگر، یک گروه فرانسوی به سرپرستی برنار پی‌یر را در منطقه‌ی علم‌کوه همراهی می‌کردند. در روز ۱۹ مرداد، **گغام** و **نورایر** به‌همراه فرانسویان از مسیر گرده‌ی آلمانی‌ها به قله‌ی علم‌کوه رفتند. (نخستین صعود ایرانیان از این مسیر) در روز ۲۳ مرداد، **فلیکس** به‌همراه یک کوه‌نورد فرانسوی به نام فرانسوا از مسیر گرده به قله می‌رود. این دو در بازگشت از هم جدا می‌شوند، و **فلیکس** در مسیر قله‌ی سیاه‌سنگ سقوط می‌کند و جان خود را از دست می‌دهد.

در سال ۱۳۳۵ یک گروه فرانسوی به سرپرستی **امیل تالون** برای صعود به دماوند و علم‌کوه به ایران آمدند؛ راهنمایی آنان را در صعود به دماوند (از تخت‌فریدون) **گغام** به عهده داشت. از شش همراه آنان در علم‌کوه نیز چهار تن ارمنی بودند؛ **هاملت چرخ‌چیان**، **هایگار سرکیسیان**، **هوسپ موسی‌خانیان**، **آرتور میناسیان** (و ناصر حقیقی و هوشنگ محیط). دومین گروه از ایرانیان صعودکننده‌ی گرده‌ی آلمانی‌ها هم اینان بودند^(۲۷). در همین سال، **چرخ‌چیان** و **ولفکران داویدیان** دیواره‌هایی را در منطقه‌ی مون‌بلان صعود کردند. در مرداد ۱۳۳۷، **نورایر** و **گغام میناسیان** به‌همراه امیرعلایی و شیوری از راه طالقان وارد منطقه‌ی علم‌کوه شدند و بسیاری از قله‌ها را صعود کردند، به طوری که به گفته‌ی عبدالواحد خنجی «هیچ جای بکری در این منطقه نگذاشتند.»^(۲۸) اما در راه سیاه‌کمان سنگی به سر **نورایر** خورد و باعث مرگ او که یکی از پرکارترین افراد نسل اول کوه‌نوردان فنی ایران بوده، شد.

تا جایی که ما می‌دانیم، تاکنون (بهمن ماه، ۱۳۸۳) در حادثه‌های کوه‌نوردی علم‌کوه - که منطقه‌ی کوه‌نوردی فنی کشور است - سیزده نفر جان خود را از دست داده‌اند که دو نفر از آنان ارمنی بوده‌اند و دو نفر هم در این منطقه دچار سرمازدگی بسیار شدی و قطع انگشتان شده‌اند که یکی از آن دو نیز ارمنی بوده‌است؛ **ایشخان ابراهیمی مسیحی** که در زمستان ۱۳۶۹ در جریان تلاش برای نخستین صعود زمستانی دیواره‌ی علم‌کوه، سرمازده شد. این آمار، نشانگر این است که کوه‌نوردان ارمنی تا چه حد برای این ورزش مایه گذاشته‌اند.

پس از درگذشت **نورایر**، **گغام** باز هم به کوه‌نوردی ادامه داد؛ او سال‌ها از مربیان فعال، و در حدود سال ۱۳۴۲ رییس کمیته‌ی فنی فدراسیون کوه‌نوردی بود و با مجله‌ی «کوه‌نورد و کوهستان» همکاری داشت. شایان توجه است که **گغام** در سال ۱۳۷۲ (در پنجاهمین سال نخستین صعودش به دماوند و در ۷۲ سالگی) به‌همراه پسرش **خاژاک** پا بر قله **مونت‌ویتنی** (Mount Whitney) در امریکا گذاشت. در کوه‌نوردی ایران، تاکنون کسی را سراغ نداریم که سال‌ها کار فنی و زمانی چنین طولانی (حدود شصت سال) کوه‌نوردی کرده باشد و ارتباط خود را با جامعه‌ی کوه‌نوردی نگسسته باشد. البته در همین‌جا باید از استاد **جلیل کتیبه‌ای** یاد کنیم که بزرگ‌نسل اول کوه‌نوردان فنی ایران و برجسته‌ترین

کوه‌نویس کشور است، و بیش از پنجاه سال فعالانه به این ورزش خدمت کرده است. اما او از سال ۱۳۳۰ که در راه رفتن به دماوند گرفتار تصادف رانندگی و آسیب‌دیدگی (و بعداً) قطع یک پا شد، دیگر نتوانست به شکل جدی به کوه برود.

در روز ۱۳۴۲/۸/۲۴، **وارطان زاکاریان** با محمود فتوحی و فریدون نجاح، کلاhek «سنگ‌شکاف» (یا؛ سنگ آلبرت) را صعود کردند^(۳۹). این سنگ را که در ابتدای بند یخچال شمیران قرار دارد، شاید همه‌ی سنگ‌نوردان ایرانی بشناسند، چرا که یکی از سنگ‌کوتاه‌های در دسترس و مناسب برای آموزش و تمرین سنگ‌نوردی است، و درجه سختی‌های گوناگون و اشکال مختلف (سطح صاف، کلاhek، تنوره) را روی آن می‌توان یافت. در همین سال ۴۲ **هاملت چرخ‌چیان** و **تیگران** به کوه «سه‌دروازه» در کنار شهر گارمیش آلمان صعود کردند^(۴۰).

در تیرماه ۱۳۴۳، فضل‌الله‌امیرعلایی، ناصر رستمی، **واچیک زاکاریان** و مهری زرافشان بخشی از دیواره‌ی پاتخت را در منطقه‌ی علم‌کوه صعود کردند. این صعود با توجه به این که پس از صعود کتیبه‌ای و تفرشی روی دیواره‌ی شاخک (۱۳۳۰) نخستین کار مستقل و نوی ایرانیان روی یک دیواره‌ی بلند است، اهمیت ویژه‌ای دارد. در همین برنامه، این افراد گذر ستیغ سیاه‌کمان - پسندکوه را نیز انجام دادند^(۴۱).

در سال ۱۳۴۳، «بنیاد هیمالیا» در فدراسیون تشکیل شد؛ از حدود بیست نفر عضو این بنیاد، دو نفر (**گغام میناسیان** و **واچیک زاکاریان**) از مریبان ارمنی بودند. در همین سال‌ها، یک گروه تجسس و نجات هم در فدراسیون تشکیل شد که **واچیک زاکاریان** و **وارطان زاکاریان** از اعضای آن بودند. در این سال، نخستین زن ایرانی هم که به قله‌ای در خارج صعود کرده، یعنی **نلی یقیایان** توانست پا بر قله‌ی مون‌بلان بگذارد. پیش از این هم او برنامه‌های خوبی اجرا کرده بود (از جمله، شبی را بر فراز قله‌ی دماوند گذرانده بود)^(۴۲).

در اوایل بهار ۱۳۴۴ **باغدیک درگریگوریان**، **روبن میرزابگیان**، **سورن نعلبندیان**، **آرمیک نعلبندیان**، **واهیک هاروطونیان**، و **کوریون هاپراپتیان** از باشگاه ورزشی فرهنگی آارات، در هوایی سرد و توفانی دماوند را از راه شمال شرقی (تخت فریدون) صعود کردند و از مسیر جنوبی بازگشتند. در این برنامه که ۹ روز به درازا کشید، سرما به بیست درجه زیر صفر هم رسید و پای دو نفر سرمازده شد. صعود به دماوند در چنین فصلی از این مسیر بی‌سابقه بود (یکی دو صعود زمستانی به دماوند، پیش از این تاریخ، از مسیر جنوبی انجام شده بود).

بخش مهمی از کوه‌نوردی فنی، صعودهای زمستانی است. در تعدادی از مهم‌ترین صعودهای اولیه‌ی زمستانی ایران، هم‌میهنان ارمنی حضور داشته‌اند؛ در بهمن ماه ۱۳۴۷، نخستین صعود زمستانی قله‌ی تخت‌سلیمان به دست اعضای از چند گروه کوه‌نوردی (کانون کوه‌نوردان تهران، فلزکار و مکانیک، آارات، جاوید، ابرمرد، و...) به‌انجام رسید. در این برنامه **خاچیک ماردرپروسیان** از باشگاه آارات همراه

با بهمن شهوندی، فریدون نجاح و جمشید عبداللهی به قله رسید. **ماردیروسیان** در تیرماه ۱۳۴۵ در کلاس پیتر هابلر (کوهنورد معروف اتریشی) که به ایران آمده بود، شرکت داشت.

در ۲۷ اسفند ۱۳۴۷، **رافیک میناسیان** از باشگاه آارات، با ابراهیم بابایی، کیومرث بابازاده، غلامحسین وهابزاده، بیژن صادقی و محمد ارضی در اجرای نخستین صعود کامل دیواره‌ی بلند بیستون همکاری داشت. در زمستان ۱۳۴۸، باز جمعی از کوهنوردان گروه‌های مختلف در برنامه‌ای مشترک به منطقه‌ی علمکوه رفتند و این بار قصد صعود گرده‌ی آلمانی‌ها را داشتند. این نخستین بار بود که یک گروه کوهنورد در زمستان به علمچال می‌رسید. در این برنامه که به علت جان باختن فریدون نجاح و احمد فرزین‌نیا در بهمن‌شانه‌کوه، نیمه‌کاره ماند، **رافیک میناسیان** هم شرکت داشت. در زمستان بعد (۱۳۴۹) تلاش دیگری برای صعود گرده‌ی آلمانی‌ها صورت گرفت که در آن نیز **رافیک** حضور داشت.

یکی از کارهای فنی و دشوار که سال‌ها ذهن کوهنوردان ایرانی را به خود مشغول کرده بود، صعود دیواره‌ی شمالی علمکوه در زمستان بود. پس از چند تلاش ناموفق در سال‌های گوناگون، یک تیم مشترک از کوهنوردان با تجربه‌ی گروه کوهنوردان آرش، خانه‌ی کوهنوردان تهران و چند نفر دیگر، در بهمن ماه ۱۳۶۹ به منطقه رفتند. **ایشخان ابراهیمی مسیحی** از سنگ‌نوردان پایشتکاری بود که نزدیک به یک سال، برای کار زمستانی روی دیواره‌ی علمکوه تمرین کرده بود و از امیدهای گروه مشترک برای صعود بود. در یکی از حمله‌ها به دیواره، او به‌همراه ابراهیم بابایی و محمد نوری، یک شب‌مانی سخت روی طاقچه‌ی بالای کلاهدک دوم مسیر آرش داشتند. (۱۳۶۹/۱۱/۸). شوربختانه در آن شب، ایشخان دچار سرمازدگی شد که بعداً به قطع انگشتان پا و چند انگشت دست‌اش منجر شد. اگرچه هر سه کوهنورد یادشده، روز پس از آن شب‌مانی به علمچال و سپس رودبارک برگشتند، اما محمد نوری چند روز بعد به علمچال برگشت و سرانجام به تنهایی دیواره را صعود کرد. همان‌گونه که محمد گفته است، تلاش‌های چندین ماهه‌ی ایشخان و همکاری او از عوامل مهم موفقیت نهایی در کار صعود زمستانی دیواره بود. در برنامه‌ی نخستین گشایش مسیر روی دیواره‌ی علمکوه در زمستان نیز یک ایرانی ارمنی نقش مهم داشت؛ **آرا مگردیچیان** (از باشگاه سپیان و همکار گروه کوهنوردان آرش) کسی بود که در باز کردن «مسیر انجمن» در زمستان ۱۳۷۹، به‌همراه رامین شجاعی بیشترین زمان را روی دیواره صرف کرد.

در انتشار مجله‌ی «کوه»، نخستین مجله کوهنوردی ایران که ده سال به طور منظم منتشر شده، **وارطان زاکاریان** همکاری بسیار درخور توجه داشته‌است؛ او از نخستین شماره‌ی «کوه» تاکنون، پیوسته در کار ترجمه‌ی مقاله و تنظیم اخبار برای آن بوده است و در تمام شماره‌ها نام او به عنوان «همکار» آمده‌است.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردیم، **فلیکس آقایان** برای مدتی طولانی (گویا از ۱۳۳۴) تا پیش از انقلاب رییس فدراسیون اسکی بود، و چون در سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۶، فدراسیون کوهنوردی و اسکی ادغام شده بود، بنابراین ریاست دستگاه رسمی کوهنوردی هم با او بود. از ارمنیانی که با

فدراسیون‌های کوه‌نوردی آن دوره همکاری داشت، **وارطان زاکاریان** را می‌توان نام برد که چند سال در مقام مسوول کمیته‌ی ارتباطات خارجی فدراسیون کار می‌کرد. او در دوران پس از انقلاب (در اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد) نیز مسوولیت روابط خارجی فدراسیون کوه‌نوردی را برعهده داشت و با توجه به این که کارشناس هواشناسی است، به بسیاری از کارآموزان و مربیان کوه‌نوردی، درس هواشناسی در کوهستان هم داده است. در میان چند مربی فعال که در دوره‌ی پس از انقلاب، با فدراسیون همکاری داشته می‌توان از **آراییک و سکانیان** نیز نام برد که مربی بسیار بااخلاق و دلسوزی است.

در تابستان ۱۳۴۸، قله‌ی سیلان برای نخستین بار از راه یخچال شمالی صعود شد؛ در این برنامه **روبن میرزابگیان** همراه بهمن شهوندی، کیومرث بابازاده، و غلامرضا دانشور بود.

در سال ۱۳۸۲ **گغام میناسیان** در هشتاد و دو سالگی به‌همراه **ادوین پریانی** و یک ارمنی دیگر به نام **هنو** (هنریک)، قله مونت‌ویتنی (۴۴۱۸ متر، بلندترین قله‌ی ایالات متحده - به جز آلاسکا) را صعود کردند. این برنامه به مناسبت شصتمین سال صعود **گغام** به قله‌ی دماوند اجرا شد. **ادوین** در ایران عضو گروه‌های کوه‌نوردی ساناهین و شکوه بود و در دهه‌ی شصت صعودهای دیواره‌ای و سریع چندی در بیستون، پل خواب، دیواره‌ی صفا (اصفهان)، علم‌کوه (از جمله: نخستین صعود ارمنیان روی دیواره‌ی شمالی علم‌کوه، همراه با **سورن سپانیان**) انجام داده بود.

ایرانیان ارمنی از دیرباز با تشکیل باشگاه و گروه، به فعالیت منجسم ورزشی پرداخته‌اند؛ چنان که امسال (۱۳۸۳)، شصتمین سال تأسیس باشگاه ورزشی فرهنگی آرات است. در سال ۱۳۴۰ **ژرژ سرکیسیان** در باشگاه شاه‌عزیز، گروه کوه‌نوردی آرامنه را تأسیس کرد و در سال ۱۳۴۲ چنین گروهی در باشگاه ماسیس؛ به دست **یغیازاریان، نازاریان، و عیوضیان** تأسیس شد. در سال‌های پس از انقلاب، گروه‌های ارمنی چندی شکل گرفت که از آن جمله‌اند: گروه کوه‌نوردی ماسیس که به دست **گغام میناسیان و ایشخان فاخوریان** در سال ۱۳۵۷ تأسیس شد. گروه هرازدان، تأسیس به دست **وانیک بندری و ویگن گرجی**. گروه ساناهین، تأسیس به دست **هارمو داودیان**. گروه ناییری، تأسیس به دست **خاچیک ماردیروسیان** و گروه کوه‌نوردی ساسون. متأسفانه بیشتر این گروه‌ها به دلایل گوناگون، دو سه سالی پس از انقلاب تعطیل شدند.

با تشکیل «انجمن کوه‌نوردان ایران» در سال ۱۳۷۸ کوه‌نوردان ارمنی چون همیشه، حضور خود را در کارهای تشکیلاتی کوه‌نوردی نشان دادند؛ کوه‌نوردانی همچون **وارطان زاکاریان، سورن سپانیان، آرا مگردیچیان و وارطان عیوضیان، سلیمان کشیشیان، هراچ وارطومیان، آرا جهانی، ساکو غزلی، کاقیان** و... با حضور در نشست‌های انجمن یا عضویت در آن، به تحقق اندیشه‌ی تشکیل «نماینده‌ی افکار عمومی کوه‌نوردان ایران» یاری رسانده‌اند. نخستین نشست همگانی انجمن کوه‌نوردان ایران برای ارابه‌ی گزارش کوه‌نوردی و نمایش اسلاید، در باشگاه ورزشی سپیان (وحیدیه تهران) (۱۳۸۰/۲/۱) و نخستین برنامه‌ی همگانی در ایران برای بزرگداشت روز جهانی کوهستان (۱۱ دسامبر/۲۱ آذر) در باشگاه آرات (با همکاری انجمن کوه‌نوردان) در روز ۱۳۸۳/۹/۲۱ برگزار شد.

با وجود پیدایش پاره‌های حرکت‌های افراطی در دوران پس از انقلاب، پیشامد جنگ، بروز پاره‌های محدودیت‌ها و تبعیض‌ها، و بالا گرفتن موج مهاجرت‌ها، ارمنیان همچون دیگر قوم‌های ایرانی به زندگی خود در این سرزمین ادامه می‌دهند و با حضور خود، همچنان پاسدار تنوع فرهنگی کشور، و از نشانه‌های روح مداراگر و اعتدال‌جوی ایرانیان هستند. باستانی پاریزی در جایی اشاره داشته است که نمودی از خوی مداراگر ایرانیان را می‌توان در همزیستی مذهب‌ها و دین‌های گوناگون در کنار یکدیگر دید که در پاره‌های شهرها مانند کرمان، جلوه‌ی بارزی داشته‌است. شاهدی بر این ادعا، شعرهای حافظ - بزرگ‌ترین شاعر ایران و نماد روح ایرانی - است؛ دیوان حافظ آکنده از بیت‌هایی با مضمون روادارانه است؛ همه‌کس طالب یارند چه هشیار و چه مست / همه‌جا خانه‌ی عشق است، چه مسجد چه کنشت. یا: گر چلیپای سر زلف ز هم بگشایی / بس مسلمان که شود کشته‌ی آن کافرکیش. هم زیستی سازنده و تأثیر متقابل فرهنگ‌های گوناگون، در جامعه‌ی کوه‌نوردی هم مانند بسیاری از دیگر جنبه‌های اجتماع، سبب نوزایی و بالندگی شده است. ایرانیان ارمنی شاید به دلیل مرادوی بیشتری که با اروپاییان به ایران‌آمده داشتند، توانستند زودتر فرهنگ ورزش‌های کوهستانی را جذب کنند. انتقال این دست‌یافته‌ها به کل جامعه‌ی ایرانی، تأثیری چشمگیر در شکل‌گیری ورزش کوه‌نوردی و اسکی کشور داشته‌است.

پی‌نوشت

(۱) پژوهش‌گران بسیاری معتقدند که به‌کار بردن اصطلاح‌هایی همچون «ارمنی ایران» و «ارمنیان ساکن در ایران» نادرست است، چرا که دلالت بر جدایی هم‌میهنان ارمنی ما از کل ملت می‌کند. آندرانیک هویان می‌نویسد: «ارمنیان و پارسیان از روزگاران دور در کنار هم زیسته‌اند و نمی‌توان ارمنیان ساکن ایران را غیرایرانی دانست، برای این که بخش‌هایی از آذربایجان غربی سرزمین بومی این قوم بوده است.» و نیز: «ایرانیان ارمنی همیشه خود را یک ایرانی علاقمند به آب‌و‌خاک خود می‌دانند و در تمام زمینه‌ها برای پیشرفت ایران زمین می‌کوشند و خود را ایرانی ارمنی می‌دانند و به آن مباحثات می‌کنند.» (ایرانیان ارمنی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱، صص ۱۵ و ۱۱۵). آندرانیک سیمونیان استاد دانشگاه و پژوهشگر نیز اصطلاح «ایرانیان ارمنی» را حتی برای «ارمنیانی که در آن سوی ارس ماندند» به کار می‌برد (روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۲/۱۰/۹) و اسماعیل رایین (در کتاب *ایرانیان ارمنی*، چاپ تهران مصور، تهران، ۱۳۴۹) همین نظر را دارد. یکی از بزرگ‌ترین ارمنی‌شناسان امروز، یک مسلمان - احمد نوری‌زاده - است؛ او می‌گوید که دوستی میان ایرانیان و ارمنیان [ساکن آن‌سوی ارس] «ریشه در هزاره‌ها» دارد (روزنامه‌ی ایران ۱۳۸۲/۱۰/۱۰) و خلیفه‌ی ارمنیان تهران، اسقف سبح سرکیسیان گفته است: «ارمنیان صدها و شاید هزاران سال است که در سرزمین متبرک ایران زندگی می‌کنند و در واقع بخشی از این سرزمین و میراث قومی این کشور عزیز به شمار می‌آیند» (کتاب *کلیسای ارمنی ایران*، نوشته‌ی لینا ملک‌میان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۹).

(۲) کاربرد عبارت «اقلیت ارمنی» از سوی اسماعیل رایین که خود معتقد است ارمنیان بخشی از ملت ایران هستند، تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد. بهتر است از به کار بردن واژه‌ی «اقلیت» برای ایرانیانی که به دین‌های دیگر - جز اسلام - اعتقاد دارند، خودداری کنیم.

(۳) رایین، اسماعیل. *ایرانیان ارمنی*، چاپ تهران مصور، ۱۳۴۹، صص ۱۲۸ و ۱۲۹

(۴) همان، صص ۱۲۹ و ۱۳۰

(۵) همان، ص ۱۵۸

- (۶) همان، ص ۱۵۱
- (۷) همان، ص ۴۱
- (۸) کسروی، احمد. *تاریخ مشروطه‌ی ایران*، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۴، ص ۱۵۸
- (۸) همان، ص ۸۷۳
- (۹) رایین. همان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳
- (۱۱) محسنین، محسن. *راهنمای اسکی*، ناشر: مؤلف، ۱۳۶۹، ص ۲۰
- (۱۲) همان، ص ۴۰
- (۱۳) همان، صص ۳۰ تا ۳۳
- (۱۴) همان، ص ۲۴
- (۱۵) همان، ص ۳۸
- (۱۶) همان، ص ۴۱
- (۱۷) بنگرید به همان، صص ۱۸۷ تا ۱۸۹
- (۱۸) بنگرید به: محمدی‌فر، داود و ابراهیمی، محمدعلی. *تاریخ کوه‌نوردی ایران*، انتشارات سبزان، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۶
- (۱۹) بنگرید به یادداشت محمدرضا قدیری‌نیا در مجله‌ی کوه، ش ۷، پاییز ۷۶، ص ۳۴
- (۲۰) مجله‌ی کوه‌نورد و کوهستان، شماره‌ی ۱۱، تیرماه ۱۳۴۳
- (۲۱) کتیبه‌ای، جلیل. مجله‌ی کوه، ش ۲۰، صص ۳۲ و ۳۳. گغام میناسیان در مجله‌ی کوه‌نورد و کوهستان، شماره‌ی ۵، آذر ۱۳۴۲، تاریخ یکسره‌پیمایی سیاه‌لیز - علم‌کوه را ۱۳۳۰ نوشته است.
- (۲۲) داود محمدی‌فر و محمدعلی ابراهیمی، همان ص ۵۸
- (۲۳) کتیبه‌ای، جلیل. مجله‌ی کوه ۲۰، ص ۳۲
- (۲۴) مجله‌ی ورزش ایران، شماره‌ی ۴، ۱۳۳۱/۵/۳۰
- (۲۵) مجله‌ی ورزش ایران، شماره‌ی ۳، ۱۳۳۱/۶/۱۷
- (۲۶) شرح این ماجرا را گغام در مجله‌ی کوه‌نورد و کوهستان، شماره‌ی ۶، (دی ماه ۱۳۴۲) با عنوان «خاطراتی از علم‌کوه» آورده است.
- (۲۷) کتیبه‌ای، مجله‌ی کوه، ش ۸، ص ۶۵
- (۲۸) خنجی، عبدالواحد. مجله‌ی شکار و طبیعت، شماره‌ی ۱۲، آبان ۱۳۳۹
- (۲۹) مجله‌ی کوه‌نورد و کوهستان، ش ۴، آبان ۱۳۴۲
- (۳۰) کتیبه‌ای، مجله‌ی کوه، ش ۹، ص ۴

۳۱) فضل‌الله امیرعلایی، مجله‌ی کوهستان، ش ۱۲، مرداد ۱۳۴۳

۳۲) بنگرید به مجله‌ی کوهستان، ش ۱۴، فروردین ۱۳۴۴

۳۳) درباره‌ی تلاش‌های زمستانی روی دیواره‌ی علم‌کوه، بنگرید به جزوه‌ی علم‌کوه، زمستان ۶۸، و یادداشت با عنوان «نخستین صعود زمستانی دیواره‌ی علم‌کوه»، گاهنامه‌ی شماره‌ی ۷ گروه کوه‌نوردان آرش، شهریور ۱۳۷۰ (هر دو نوشته‌ی عباس محمدی)

۳۴) گزارش این صعود در: گاهنامه‌ی انجمن کوه‌نوردان ایران، شماره‌ی ۲، بهار ۱۳۸۰

این مقاله نخستین بار در گاهنامه‌ی شماره‌ی ۱۱ انجمن کوه‌نوردان ایران، اسفند ۱۳۸۳، چاپ شد و بعداً اندکی اصلاحات در آن صورت گرفت. در نگارش آن، از راهنمایی‌های دوست گرامی، **سورن سپانیان** بهره برده‌ام.

عباس محمدی